



شهردار بهارستان دستگیر شد

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان بهارستان از دستگیری یک عضو شورای نسیم‌شهر به همراه شهردار منتخب این شهر به اتهام فساد مالی، دریافت و پرداخت رشوه خبر داد. سید امیراحمدی در گفت‌وگو با تسنیم، با تأکید بر مبارزه قاطع با فساد گفت: یک عضو شورای نسیم‌شهر به‌دلیل سوءاستفاده از موقعیت شغلی، دریافت رشوه و اعمال نفوذ دستگیر شد. او با بیان اینکه پرونده‌مقدماتی فساد این عضو شورا تکمیل شده است، گفت: شهردار منتخب نسیم‌شهر نیز به اتهام پرداخت رشوه به بر خی از اعضای شورای نسیم‌شهر، بازداشت شده است. او گفت: مبارزه بافساد در مجموعه‌شهرداری ادامه دارد و با قدرت، این راه را ادامه خواهیم داد.



اسم پدر و مادر حذف نمی‌شود

انسبه‌خزعلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده درباره اینکه چرا اسم پدر و مادر از کارت ملی حذف می‌شود و چه چیزی جایگزین آن می‌شود، گفت: اسم پدر و مادر در ظاهر حذف شده ولی درواقع هم اسم پدر و مادر، هم سایر مشخصات وجود دارد. او در گفت‌وگو با ایرنا درباره اینکه چه‌تلاشی برای آوردن اسم‌مادر در کارت ملی انجام شده است، گفت: در جلسه‌ای که ۲ سال پیش با رئیس‌جمهور داشتیم، برخی از زنان درخواست نوشتن نام مادر روی کارت ملی و در کنار نام پدر را مطرح کردند، رئیس‌جمهور هم از این مطلب استقبال کردند. او گفت: درنهایت در کمیسیون اصلی، نماینده ثبت‌احوال اعلام کرد که قرار است کارتهایتغییر کند و در کارتهای جدید نام پدر و مادر نخواهد بود، لذا مطلب به‌دلیل عدم موضوعیت از دستور خارج شد. ظاهراًسیاست این است که اطلاعات حداقلی در روی کارت آورده شود و به‌جای آن بارکدی در روی کارت آورده شود که مشخصات شناسنامه‌ای فرد صاحب کارت از جمله مشخصات پدر و مادر او از طریق بارکد قابل رؤیت است.



کاهش میزان مولید در سال ۱۴۰۲

صابر جباری، سرپرست مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس وزارت بهداشت با بیان اینکه آمارهای اولیه حاکی از آن است که میزان مولید در سال ۱۴۰۲ نیز نسبت به ۱۴۰۱ کاهششی بوده، به ایسنا گفت: اما شدت و روند کاهش مولید نسبت به سال‌های قبل، آرام‌تر شده است و این موضوع نشانگر آن است که اقدامات انجام‌شده مؤثر بوده است. به گزارش ایسنا، او با بیان این‌که از سال ۹۴ کاهش مولید را در کشور داشته‌ایم، ادامه داد: به‌عنوان مثال در سال ۱۳۹۸ میزان مولید نسبت به سال قبل از آن، ۱۲۰ هزار مورد کاهششی بوده و کاهش مولیید اکنون که روی عدد ۱۷ هزار است، در مقایسه با سال‌های قبل از آن، بیانگر آن است که روند نزولی کاهش مولید نسبت به گذشته تغییر یافته است و آرام‌تر شده است.

آگهی مفقودی

بدینوسیله اعلام می‌گردد برگ سبز، و سند کمپانی خودرو هیوندای AT- accent به شماره پلاک ۱۱س۱۱ ایران ۵۵ مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور ۱09353G4FCJL۱466100 شماره شاسی ۳53NAKNFH322JB109353 به رنگ سفید صدفی به مالکیت آقای کوروش دانائی به شماره ملی ۵۸۴۳۱۹۴۵۸ صادره از تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

جامعه

COMMUNITY

۱۲



مالباختگان یک پرونده در چالوس ماجرای از دست رفتن اموال شان را روایت می‌کنند

داستان يك كلاهبرداری

عکس: ایرنا



شادی مکی

خبرنگار گروه جامعه

کلاه بزرگی بر سرشان رفته، زمین فروخته‌اند، فرش فروخته‌اند، جهیزیه دخترشان را به حراج گذاشته‌اند، طلاها را ارزان تر داده‌اند و حالا ماه‌هاست به انتظار نشسته‌اند برای پیدا کردن ردی از یک مرد و همسرش. مردی با نامی مشکوک: «رادان»

روایت مالباختگان از کلاهبرداری، عجیب است، همیشه تجمع پرسروصدای آنها را می‌توان در مقابل یک مؤسسه یا در گوشه خیابان دید. جدیدترین این اخبار مربوط به پرونده بزرگ کوروش کمپانی بود که بهمن‌ماه سال گذشته برملاشد. تا اواخر بهمن‌ماه، میزان کلاهبرداری این شرکت به صورت غیررسمی، حدود دو هزار میلیارد تومان است و حدود ۱۰۰ هزار نفر هم مالباخته شده‌اند. مهرماه سال گذشته هم، دست تعدادی از کلاهبرداری در پرونده لاکسون رو شد که سر ۴۰۰ هزار نفر در ایلام کلاه گذاشته بودند. آنها درگیر یک شرکت هرمی شده و سرمایه‌های‌شان را از دست دادند. فروردین‌ماه امسال هم از مازندران خبر کشف کلاهبرداری هزار میلیاردی و ۶۰۰ مالباخته آن، رسانه‌ای شد. ۷ کلاهبردار، یک شرکت هرمی راه انداخته و وعده سودهای نجومی از معاملات ارز دیجیتال و بازاریابی را داده بودند. روایت مالباختگان از کلاهبرداری‌ها، شبیه است؛ در تمام پرونده‌ها آنها مال‌شان را از دست داده‌اند، خانه، فرش زیر پا، طلا و ماشین‌شان را فروخته‌اند و حالا پله‌های پلیس آگاهی و دادگاه‌ها را بالا و پایین می‌کنند تا به پول‌شان برسند. یکی از این پرونده‌ها به کلاهبرداری در چالوس شناخته می‌شود. قربانیان می‌گویند، صدها نفر درگیر این پرونده‌اند اما هنوز متهمی دستگیر نشده است. در این گزارش، ماجرای زندگی این مالباخته‌ها روایت شده است؛ آنها که حالا دچار فقر شده‌اند و ناامید از بازگرداندن پول‌شان. چشم‌ها خیس است و جیب‌ها خالی.

▼کلاه ۸میلیاردتومان

ماجرای مالباختگان در شهرستان چالوس به سال ۱۳۹۶ برمی‌گردد، زمانی که شخصی تحت عنوان رادان -که مشخص نیست نام اصلی‌باشد یا خیر -همراه همسر و یکی از دوستانش در چالوس شرکتی سرمایه‌گذاری را تأسیس کرده با اعتمادسازی و سوءاستفاده از وضعیت نامناسب اقتصادی، شروع به گرفتن پول از مردم این شهرستان می‌کنند. آنها وعده می‌دهند که پول‌های گرفته‌شده را در حوزه ساخت‌وساز، واردات خودرو، تولید قانونی بیت کوین و... سرمایه‌گذاری می‌کنند. براساس وعده‌های رادان، درآمد شرکت آنها به دلار است و ۱۰ درصد از سود آن را به‌صورت ماهانه به هر یک از سرمایه‌گذاران بازپرداخت می‌کند. این گروه کار خود را با گرفتن مبالغ کم از شهروندان آغاز و تا چند سال هم سودها را به‌موقع به سرمایه‌گذاران بازپرداخت می‌کند اما به‌تدریج با جوامعادی که برقرار می‌شود، اعضای این گروه، از گرفتن سرمایه‌های اندک خودداری می‌کنند و مبالغ بزرگی به جیب می‌زنند تا اینکه در شهریورماه سال گذشته ناگهان متواری می‌شوند. مالباختگان می‌گویند، صدها نفر از کلاهبرداری این فرد تحت‌عنوان رادان آسیب‌دیده‌اند درحالی‌که تاکنون دستگاه انتظامی و قضایی کشور، موفق به شناسایی و دستگیری این افراد نشده است.

کلاهی به بزرگی ۸ میلیارد تومان برسرش گذاشته‌اند، اما دوندگی‌هایش بی‌فایده بوده و حالا دیگر نمی‌خواهد ادامه دهد؛ این تصمیم میثم ۲۹ساله در ارتباط با اموالی است که از دست داده: «من مبلغ سرمایه‌گذاری را از ۷۰ میلیون تومان شروع کردم و به‌تدریج طی سه‌سال، این مبلغ را به ۸ میلیارد تومان رساندم، یعنی این آقای رادان باید ماهی ۸۰۰ میلیون تومان به حسابم واریز کند اما ناگهان از حدود ۸ ماه پیش، پرداختی‌هایش قطع شد و غیبش زد.» میثم که خودش هم در چالوس دفتر پیمانکاری دارد و در زمینه ساختمان سازی فعالیت می‌کند، ادامه‌می‌دهد: «اصلاً چنین توقعی

از این زوج نداشتیم. با رادان رفاقتی ۱۵ ساله داشتیم و او را می‌شناختم. سه‌سال‌ی بود که اصرار می‌کرد در شرکتش سرمایه‌گذاری کنم، به او اعتماد داشتیم به علاوه اینکه بسیاری از بازاری‌هایی که می‌شناختم، به او اعتماد کرده بودند. وقتی شرایط را دیدم که سود خوبی به افراد می‌دهد من هم وسوسه شدم، به‌همین دلیل چنین سرمایه‌گذاری هنگفتی کردم. حتی ملکی را که داشتیم، فروختم و پولش را به او دادم. البته از او چک هم گرفتم و همه‌چیز طبق روال پیش می‌رفت. همه‌چیز ناگهانی بود. نمی‌دانم که از اول قصد کلاهبرداری داشت یا ناگهان کم آورد. بهر حال هیچ خبری از او نیست و کسی هم جواب مارا نمی‌دهد.» او می‌گوید: «حتی آنطور که شنیده‌ام، دادستان وقت چالوس را به‌دلیل پول‌هایی که از این شخص گرفته بود، تغییر دادند اما نمی‌دانم که این خبر چقدر درست است. گفته می‌شود همکار آنها در حال حاضر در زندان است و به‌زودی با قید وثیقه آزاد می‌شود، اما این موضوع هم تنها یک شایعه است و ما نمی‌دانیم ماجرا چیست.» میثم تأکید می‌کند که افراد بسیاری از رهگذر این کلاهبرداری آسیب دیده‌اند، مانند دختری که صاحب یک آرایشگاه است و ۵۰۰ میلیون دارایی خود را نزد رادان سرمایه‌گذاری کرده است: «او هر روز گریه می‌کند و به آگاهی سر می‌زند، به امید اینکه خبری از این افراد به دست بیآورد.»

▼تمام سرمایه‌ام در ۴۸ سالگی از دست رفت

«حسین» هم از دیگر مالباختگان پروژه رادان است؛ فردی که به گفته او، از پنج یا شش سال پیش در شهرستان چالوس پروژه کلاهبرداری خود را شروع کرده است: «رادان در چالوس شهرت خوبی به دست آورده بود و می‌گفتند ۱۰ درصد از سود پول را به‌موقع پرداخت می‌کند. در هر محفل و مجلسی حرف از سودآوری سرمایه‌گذاری در پروژه این فرد بود به‌همین دلیل هم نهایتاً در سال ۱۴۰۲ تصمیم گرفتم من هم در این پروژه سرمایه‌گذاری کنم. در آن‌زمان رادان می‌گفت، دیگر پول‌های کوچک را قبول نمی‌کند و باید سرمایه‌گذاری به‌صورت میلیاردی انجام شود. همین شد که به همراه تعدادی از اقوام در جه یک خدوم و همسر، مبالغی را روی هم گذاشتیم و در اردیبهشت‌ماه سال گذشته سه میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان از جمع سرمایه‌های‌مان را به دست رادان دادیم.» حسین از اردیبهشت تا تیرماه -یعنی به مدت ۲ ماه- ۱۰ درصد وعده داده‌شده را دریافت می‌کند، اما از مردادماه با بهانه‌تراشی‌های رادان درباره خرابی بازار مواجه می‌شود. در شهر یورماه هم خبر فرار این فرد و همسر او در میان مالباختگان می‌پیچد: «طلاهای همسر و زمینی که داشتیم را فروختم تا بتوانم سرمایه‌ای دست‌وپا کنم. خواهرم هم ۳۰۰ میلیون تومان پول پیشی را که از مستاجرانش دریافت کرده بود، وسط گذاشت. خواهر همسر من تهران پرایدش را فروخت و وامی هم به مبلغ ۷۰ میلیون تومان گرفت و روی پول ما گذاشت. به علاوه اینکه من به هوای این سود ۱۰ درصدی، مغازه‌ای را در چالوس بازسازی و اجاره کردم و روی این مغازه ۸۰۰ میلیون تومان سرمایه‌گذاری کردم و چک دادم. اما بعد از این ماجرا ناچار شدم برای پاس‌شدن چک‌ها باقی طلاهای همسر، فیش مکه ما درم و ماشین زیرپای‌مان را بفروشم. خلاصه در سن ۴۸ سالگی تمام پس‌انداز و زندگی‌ام را از دست دادم. شهر خواهرم هم به دنبال وامی است که به‌وسیله آن پول پیش مستاجرانش را بپردازد. خواهر همسر هم سرپرست خانواده است و برای بازپرداخت وامی که گرفته، دچار مشقت شده.» به‌ما گفته‌اند، هر وقت این افراد را دستگیر کنند به ما اطلاع می‌دهند که هنوز هم خبری نشده است.

▼فرمان کلاه گذاشت

محمد ۵۷ ساله است و شغلش آزاد است. او هم از طریق یکی از دوستانش با رادان آشنا می‌شود: «علت اعتمادم به رادان این

بود که از دوستانم شنیده بودم چندسالی است که رادان براساس وعده‌اش عمل می‌کند و دوستانم از این رهگنر، سود زیادی برده بودند. تعاریفی که از افراد مورد اعتمادم شنیده بودم، باعث شد که درنهایت بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ من هم به‌جرگه سرمایه‌گذاران بیپوندم و ۳۰۰ میلیون تومان مستقیماً به حسابش واریز کنم. ابتدا همه‌چیز خوب بود و ماهیانه ۲۰ میلیون تومان طی شش‌ماه دریافت کردم، اما در شهریورماه سال گذشته ناگهان خبر رسید که رادان غیبش زده و خبری از او نیست. من ۱۸۰ میلیون تومان دریافت کردم اما هنوز ۱۲۰ میلیون تومان از اصل پولم مانده است.» به گفته محمد، به نظر می‌رسد این فرد خلاف وعده‌هایش در هیچ حوزه‌ای فعالیت نمی‌کرده و تنها از سود حاصله از پول‌هایی که گرفته، موفق شده ۱۰ درصد سود مردم را در این مدت بپردازد. تا وقتی که پول‌ها به میزانی می‌رسد که می‌تواند فرار کند: «رادان را شاید تنها ۲۰ نفر از نزدیک می‌شناختمند و مابقی از طریق واسطه‌ها با او در ارتباط بودند؛ چیزی شبیه به شرکت‌های هرمی. به‌تدریج شبکه او گسترده‌تر و واسطه‌ها بیشتر شدند و شهرتش در چالوس پیچید. رادان و هم‌دستانش قراردادی صوری با مردم می‌بستند. شگرد او هم مانند بسیاری از کلاهبرداران بود که مدتی شرایط را محک زده و فعالیت می‌کنند و بعد ناگهان ناپدید می‌شوند.» محمد می‌گوید: «آنچه من نزد رادان گذاشتیم هم بخشی از پس‌انداز بود. او گفته بود که یکی از فعالیت‌هایش در حوزه ساخت‌وساز است و از آنجایی که فعالیت در حوزه زمین و ملک در شمال کشور سود خوبی دارد، ابتدا بودم با این سرمایه‌گذار بتوانم سودی به دست آورده و به زخم‌های زندگی‌ام بزنم، زیرا با توجه به شرایط اقتصادی کشور نه بانک، نه بازار هیچ‌یک نمی‌توانستند برای پس‌اندازم سودآوری داشته باشند.» محمد می‌گوید: «در آن زمان که سرمایه‌گذاری کردم، باید بازپرداخت وامی را به صورت ماهانه ۴۰ میلیون تومان پرداخت می‌کردم و روی این ۳۰ میلیون تومان ماهانه، حساب کرده بودم اما وقتی این پرداخت‌ماهیانه متوقف شد، بازپرداخت این وام برام به‌شدت سخت شد و مصائب زیادی را تحمل کردم تا توانستم این مبلغ را بپردازم. درواقع مبلغی که سرمایه‌گذاری کرده بودم، اگر چه کم بود اما شرایط بحرانی را تا آخر سال ۱۴۰۲ برابم ایجاد کرد. متأسفانه اشتباهی که کردم، در کشور ما رایج است و علت آن هم مشکلات اقتصادی و مالی مردم است. مردم به‌دلیل طمع با اموال خود ریسک نمی‌کنند، بلکه به‌دلیل زیاد بودن گرفتاری‌های‌شان به دنبال راه چاره‌ای هستند.»

▼جهیزیه دخترم را فروختم

آرش از دیگر مالباختگان هم می‌گوید که رادان چنان خود را امین و معتمد مردم نشان داده بود که حتی رؤسای بسیاری از ارگان‌ها و سازمان‌ها هم نزد او حساب داشتند: «زمانی که من هم به جرگه سرمایه‌گذاران پیوستم، ۴ سال بود که او کارش را شروع کرده بود و به‌قدری مورد اعتماد مردم بود که دیگر کسی پولش را در بانک نمی‌گذاشت. من هرگز با رادان رودرو صحبت نکرده‌ام اما همین حسن شهرت و سود خوبی که به مردم می‌داد، باعث شد که من هم به او اعتماد کنم.» علیرضا همراه دوستان و آشنایان از جمله مادر و خاله‌اش، نزد او سرمایه‌گذاری می‌کنند. مبلغی که درنهایت بیش از دو میلیارد تومان می‌شود: «حدود ۸ ماه سود ۱۰ درصدی به مبلغ ۲۲۰ میلیون تومان را از رادان دریافت کردیم. سود هرکس را هم به‌صورت جداگانه واریز می‌کرد. ما به‌صورت اعتباری با او کار می‌کردیم و حتی اولین مبلغی که به‌حساب همسر او واریز کردم، ۳۰۰ میلیون تومان بود و این مبلغ را به‌تدریج افزایش دادیم.» او درباره آسیب‌های واردشده به زندگی‌اش بعد از این کلاهبرداری می‌گوید: «یک پلاک زمین داشتم که آن را فروختم و پولش را به رادان دادم. این فرد آنقدر مشهود و معتمد‌شده بود که حتی مادر یکی از آشنایان مادر شهر دیگر هم، این موضوع را شنیده بود. او با ما تماس گرفت و ۲۰۰ میلیون تومان هزینه